



مناظرات امام جواد(ع) مرجعیت علمی اهل بیت (ع) را بازتعریف کرد

پاسخ‌های امام جوادالائمه (ع) در مناظرات، عقل را از یک ابزار ثانویه به یک رکن اساسی در دفاع از امامت تبدیل کرد، در این دوره، عقل نه رقیب نقل، بلکه فهم‌کننده و تبیین‌کننده آن معرفی شد.

پاسخ‌های امام جوادالائمه (ع) در مناظرات، عقل را از یک ابزار ثانویه به یک رکن اساسی در دفاع از امامت تبدیل کرد، در این دوره، عقل نه رقیب نقل، بلکه فهم‌کننده و تبیین‌کننده آن معرفی شد.

خبرگزاری مهر- گروه دین، حوزه و اندیشه- عصمت علی آبادی: امروز سالگرد میلاد حضرت امام جوادالائمه علیه السلام است. امامت در اندیشه شیعه، جایگاهی صرفاً اجرایی یا اجتماعی نیست، بلکه مقامی الهی، معرفتی و هدایتی است. با این حال، تحقق تاریخی این مقام همواره در بستر فهم عرفی جامعه تفسیر می‌شود.

هنگامی که امام جواد (ع) در کودکی به امامت رسید، این تفاوت میان «منطق الهی امامت» و «تجربه متعارف بشری از رهبری» آشکار شد و زمینه ساز شکل‌گیری چالش‌های فکری متعددی گردید. این چالش‌ها نه تنها بیرونی، بلکه درونی و حتی سیاسی بودند و جامعه اسلامی را با بحرانی معرفتی مواجه کردند که پاسخ به آن، تشیع را وارد مرحله‌ای نو از تبیین عقلانی امامت ساخت. بر همین اساس با حجت الاسلام علی حسنلو استاد حوزه علمیه قم به گفتگو پرداختیم که حاصل آن در ادامه تقدیم مخاطبان می‌شود.

*** دشمنان و مخالفان اهل بیت در خصوص امامت امام جواد در کودکی چه چالش‌ها و شبهاتی مطرح کردند؟**

نخستین چالش، تعارض ظاهری میان سن کم و جایگاه امامت بود. بخش‌هایی از جامعه اسلامی، به ویژه جریان‌های عقل‌گرای غیرشیعی، امامت را نیازمند تجربه اجتماعی، بلوغ عقلی و سابقه علمی می‌دانستند و خردسالی امام جواد (ع) را با این پیش‌فرض‌ها ناسازگار می‌دیدند. چالش دوم، نگرانی درونی برخی شیعیان ناپیوسته یا کم‌اطلاع بود که برای نخستین بار با امامت در کودکی مواجه می‌شدند. این تردید بیشتر ناشی از عادت ذهنی به رهبری سالخورده بود، نه انکار اصل امامت، و در منابع به عنوان تحجیر توصیف شده است. چالش سوم، بهره‌برداری سیاسی دستگاه عباسی از این وضعیت بود. حکومت تلاش می‌کرد با برجسته‌سازی سن امام، مرجعیت دینی ایشان را تضعیف کرده و از شکل‌گیری اقتدار اجتماعی جلوگیری کند؛ برگزاری مناظرات رسمی نیز در همین چارچوب قابل تحلیل است. در مجموع، امامت امام جواد (ع) یک بحران معرفتی در جامعه اسلامی ایجاد کرد که پاسخ به آن، صرفاً احساسی یا نقلی نبود، بلکه نیازمند تبیین عقلانی مفهوم امامت شد؛ بحرانی که در نهایت به تقویت بنیان‌های فکری تشیع انجامید.

*** مهم‌ترین شبهات عقلانی درباره امامت امام جواد (ع) چه بود و چگونه به آنها پاسخ داده شد؟**

مهم‌ترین شبهه عقلانی این بود که کودک فاقد رشد عقلی کامل است، پس شایستگی رهبری ندارد. این شبهه بر مبنای تجربه بشری و مشاهدات عرفی شکل گرفته بود و نیازمند تفکیک میان عقل اکتسابی و علم الهی بود. پاسخ اصلی امامان و متکلمان شیعه، تأکید بر الهی بودن منصب امامت بود؛ بدین معنا که علم امام، نتیجه تعلیم الهی و نه حاصل تجربه تدریجی است. همین استدلال پیش‌تر در مورد نبوت حضرت عیسی (ع) در قرآن مطرح شده بود.

*** یک شبهه این بود که اگر امامت در کودکی ممکن باشد، معیار تشخیص امام چیست؟**

پاسخ معیار، نصّ، علم و عصمت است، و سن مطرح نیست. این معیارها در رفتار و سخنان امام جواد (ع) به طور عینی قابل مشاهده بود. در نهایت، پاسخ به شبهات نه با جدل صرف، بلکه با تحقق عینی علم صورت گرفت؛ یعنی امام جواد (ع) با ارائه پاسخ‌های دقیق فقهی و کلامی، خود به قوی‌ترین دلیل بر بطلان شبهه تبدیل شدند.

*** مناظرات علمی امام جواد (ع) با عالمان درباره‌ی چه نقشی در تثبیت عقلانی امامت ایشان داشت؟**

مناظرات علمی، مهم‌ترین صحنه آزمون عقلانی امامت امام جواد (ع) بود. شاخص‌ترین نمونه، مناظره با یحیی بن اکثم، قاضی القضاة عباسی است که به صورت رسمی و عمومی برگزار شد. در این مناظره، امام جواد (ع) با طرح فروض متعدد فقهی درباره محرم و شکار، نشان دادند که مسئله فقهی یک پاسخ ساده ندارد و فهم آن نیازمند احاطه علمی عمیق است؛ احاطه‌ای که از

عالمان رسمی حکومت دیده نشد. اهمیت این مناظره در آن بود که معیار عقلانی جامعه تغییر کرد. سن، لباس قضاوت یا جایگاه حکومتی ملاک برتری علمی قرار نگرفت، بلکه توان استدلال و عمق پاسخ گویی معیار شد. در نتیجه، مناظرات نه تنها شبهات را رفع کرد، بلکه عقلانیت امامت را در فضای عمومی تثبیت کرد و مرجعیت علمی اهل بیت (ع) را بازتعریف کرد.

*چگونه امام جواد (ع) با تکیه بر علم الهی و استدلال منطقی، شبهه سن کم و ناتوانی در رهبری را رد کردند؟

امام جواد (ع) ابتدا با تفکیک میان سن زیستی و کمال عقلی چارچوب بحث را اصلاح کردند. ایشان نشان دادند که عقل و علم، اموری کمی و سنی نیستند، بلکه موهبتی الهی اند. از منظر منطقی، امام با نقض کلی گرای عرفی عمل کردند؛ یعنی نشان دادند اینکه اکثر کودکان ناتوان اند دلیل نمی شود همه کودکان ناتوان باشند. این یک پاسخ دقیق به خطای تعمیم در استدلال مخالفان بود.

در سطح عملی، پاسخ امام نه صرفاً نظری بلکه کارکردی بود. اداره شبکه وکالت، پاسخ گویی فقهی، و مدیریت ارتباطات شیعه، همگی نشانه توان رهبری عملی امام جواد (ع) بودند. بدین ترتیب، امام جواد (ع) با پیوند علم الهی و عقل تجربی شبهه ناتوانی را هم در نظر و هم در عمل بی اثر کردند.

*پاسخ های امام جواد (ع) به شبهات امامت چه تأثیری بر جایگاه عقل در مکتب اهل بیت (ع) گذاشت؟

پاسخ های جوادالائمه (ع) عقل را از یک ابزار ثانویه به یک رکن اساسی در دفاع از امامت تبدیل کرد. در این دوره، عقل نه رقیب نقل، بلکه فهم کننده و تبیین کننده آن معرفی شد. این رویکرد باعث شد تشیع از اتهام تعبد کورکورانه فاصله بگیرد و به عنوان مکتبی استدلال محور شناخته شود؛ مسئله ای که بعدها در کلام امام هادی (ع) و امام عسکری (ع) ادامه یافت. همچنین، پاسخ های عقلانی امام جواد (ع) زمینه ساز شکل گیری سنت مناظره و گفتگوی علمی در مکتب اهل بیت شد؛ سنتی که در برابر جزم اندیشی رایج آن دوره قرار داشت. در نتیجه، عقل در مکتب اهل بیت (ع) نه تنها مشروع، بلکه ضروری برای فهم صحیح دین معرفی شد؛ جایگاهی که ریشه در عملکرد امام جواد (ع) دارد.

*تفاوت رویکرد امام جواد (ع) در مواجهه با شبهات عقلانی با رویکردهای رایج کلامی آن دوره چه بود؟

رویکرد رایج کلامی آن دوره غالباً جدلی و مبتنی بر غلبه لفظی بود. متکلمان درباری بیشتر به دنبال شکست طرف مقابل بودند تا کشف حقیقت. امام جواد (ع) اما رویکرد اقناعی معرفتی داشتند. ایشان مسئله را از ریشه بازتعریف می کردند و نشان می دادند که پرسش، گاه بر پیش فرض نادرست استوار است. تفاوت دیگر، پیوند اخلاق با عقلانیت بود. امام در مناظرات، تحقیر یا طعن به کار نمی بردند و همین امر، استدلال را اثرگذارتر می کرد. این تمایز نشان می دهد که مکتب اهل بیت (ع)، عقلانیتی اخلاق محور و حقیقت گرا را عرضه کرد، نه عقلانیت ابزاری است.

*امامت زود هنگام امام جواد (ع) چه پیام معرفتی برای نسبت میان عقل، تجربه و هدایت الهی دارد؟

نخستین پیام، محدود بودن تجربه بشری است. تجربه، شرط لازم بسیاری از امور است، اما شرط کافی برای هدایت الهی نیست؛ امامت می تواند فراتر از تجربه عمل کند. پیام دوم، استقلال عقل از سن و زمان است. عقل، قوه ای است که می تواند در سنین مختلف به کمال برسد، و هدایت الهی این کمال را تسریع می کند. سومین پیام، تکمیل عقل با وحی است. امام جواد (ع) نشان دادند که عقل انسانی، وقتی با علم الهی پیوند می خورد، به بالاترین سطح کارآمدی می رسد. در نهایت، امامت زود هنگام امام جواد (ع) به ما می آموزد که در نظام هدایت الهی، عقل، تجربه و وحی در تعارض نیستند؛ بلکه هرکدام در جای درست خود معنا می یابند.